

# پیوندهای بینامتنی دیوان فخری هروی و حافظ شیرازی

دکتر مهدی فیروزیان\*

## چکیده

فخری هروی، شاعر، تذکره‌نویس و مترجم سدهٔ دهم نشیه قاره است که سال‌های بسیاری از عمر خود را در سند و هند گذرانده است. در این جستار برای یافتن چند و چون اثرپذیری فخری از حافظ، نخست غزل‌هایی از او را که در وزن و قافیه و ردیف با غزل‌هایی از حافظ همسان هستند از دیوان او به‌درکشیده‌ایم. سپس در این غزل‌های هماهنگ همانندی‌های لفظی و معنوی میان شعر دو شاعر را یافته‌ایم تا دربارهٔ هر یک از نمونه‌ها درصد سستی یا درستی این گمان که فخری به‌راستی غزل حافظ را پیش چشم داشته است روشن شود. در بخشی دیگر نیز تضمین‌های فخری از شعر حافظ را آورده‌ایم که در آن بخش تأثیرپذیری بی‌چون و چرای او از غزل‌سرای شیرازی آشکار است.

**کلیدواژه‌ها:** حافظ، فخری هروی، استقبال، تضمین، همانندی.

---

\*. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

## سخن نخست

از سدهٔ هشتم به این سو حافظ از اثرگذارترین شاعران بر روی شعر غزلسرایان تاریخ ادبیات پارسی بوده است. آوازهٔ سخنوری این غزلسرای شیرازی به‌گمان بسیار در همان روزگار زندگی وی به شبه‌قاره نیز رسیده بوده است. چنانکه محمد گل‌اندام در مقدمهٔ دیوان او می‌نویسد: «رواحل غزل‌های جهانگیرش در ادنی مدتی به اقصای ترکستان و هندوستان رسیده» (حافظ ۱، قد) و شاعر خود نیز اشاراتی از این دست دارد:

شگرشکن شوند همه طوطیان هند      زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود  
(حافظ ۲، ص ۴۵۲)

به شعر حافظ شیراز می‌رقصند و می‌نازند      سیه‌چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی  
(همان، ص ۸۷۸)

یکی از نشانه‌های درستی اشارات حافظ و سخن‌گل‌اندام «سفینهٔ شعری کهنی است موسوم به مجموعهٔ لطایف و سفینهٔ ظرایف که ظاهراً میان سال‌های ۷۶۲ تا ۸۰۴ ق به همت سیف جام هروی در هند تدوین و تألیف شده است... در این مجموعه یک قصیده و ۱۲۶ غزل از حافظ... مندرج است» (افشین‌وفایی، ص ۱۵-۱۶). از این‌رو بررسی اثرگذاری حافظ بر شعر شاعر سخن‌دانی چون فخری هروی که یک سده پس از نوشته شدن این سفینه زاده شده و در شبه‌قاره به سخنوری و گردآوری تذکرهٔ شاعران پارسی‌گوی سرگرم بوده است، برای روشن‌تر شدن چون و چند روند گسترش یافتن حافظ‌خوانی و حافظ‌شناسی در شبه‌قاره پسندیده می‌نماید.

سلطان محمد بن محمد امیر (یا امیری) هروی متخلص به فخری، شاعر، ادیب، تذکره‌نویس و مترجم سدهٔ دهم و متولد (نزدیک به ۹۰۳ ق) هرات و ساکن آن شهر و سپس سند و سپس تر هند بوده است. او ضمن مدح سام میرزای صفوی، والی خراسان، در دستگاه خواجه حبیب‌الله ساوجی، وزیر خراسان، مقامی داشته و به دستور او مجالس‌النفائس امیرعلیشیر نوایی را با نام *لطایف‌نامه* از ترکی به فارسی ترجمه کرده و آن را مانند دیگر اثر خود *تحفة‌الحیب* (مجموعه‌ای از شعرهای ۲۳۹ شاعر) به خواجه پیشکش کرده است. فخری در زمان حکومت شاه طهماسب، به بهانهٔ سفر حج از هرات بیرون آمد اما به سند رفت و در آنجا اقامت گزید و اشعاری در ستایش شاه حسن ارغون (حکومت: ۹۲۸-۹۶۲)، فرمانروای سند، سرود. شاه حسن خود در سرودن شعر دستی داشت

و نکته درخور یادکرد اثرپذیری او از حافظ است که فخری هروی در *روضه‌السلطین* با آوردن غزلی از وی که به تقلید از حافظ سروده شده به آن اشاره کرده است (نک: فخری هروی ۱، ص ۱۰۳-۱۰۴). همین اثرپذیری، خود گواه روایی یافتن شعر حافظ در شبه قاره آن روزگار است.

فخری پس از درگذشت شاه حسن (وفات: ۹۶۲ق)، به میرزا عیسی ترخان (که پس از درگذشت شاه حسن، به فرمانروایی بخش سفلی سند رسیده بود) پیوست. اما سال بعد با دیدن آشفتگی پدیدآمده در پی جنگ میرزا عیسی و فرمانروایی بکهر، پس از نزدیک هفده سال سکونت در سند، روی به هند نهاد تا به دربار اکبر شاه (که به تازگی در ۲ ربیع‌الاول ۹۶۳ق بر تخت نشسته بود) بیوندد. پس از رسیدن به هند برای نزدیک شدن به شاه، تذکره *جوهرالعجایب* (شرح احوال و اشعار زنان سخنور که نخست آن را به حاجیه ماه‌بیگم، بیوه شاه حسن ارغون و زوجه عیسی ترخان تقدیم کرده بود) را با اندکی تغییر در دیباچه و افزودن قصیده‌ای ستایش‌آمیز، به ماهم انکه، دایه اکبرشاه، پیشکش کرد و از نواخت دربار بهره‌مند شد. از آن پس تا سال ۹۷۰ق، فخری ساکن اکبرآباد هند بوده است. او با نگاشتن این تذکره که از مآخذ تقی‌الدین کاشی و اوحدی بلیانی در تذکره‌هایشان بوده و نیز تذکره *روضه‌السلطین* (درباره هشتاد تن از فرمانروایان یا شاهزادگان سخنسرای ایران و هند) خدمت ارزنده‌ای به تاریخ ادبیات پارسی به‌ویژه در حوزه شبه قاره کرده است.

فخری بیرون از سند و خراسان هم ستودگانی داشته است؛ از جمله: شاه اسماعیل صفوی (حکومت: ۹۰۶-۹۳۰)، شاهزاد سام میرزا (۹۲۳-۹۷۵)، درمیش خان والی هرات (حکومت: ۹۲۷-۹۳۱) و... دیگر آثار او از این قرار است: *هفت کشور* (کتابی تاریخی آمیخته به افسانه که به شاه اسماعیل اول تقدیم شده)، و *صنایع الحسن* (در علم بدیع؛ که مانند *روضه‌السلطین* به نام شاه حسن ارغون نوشته شده‌اند). افزودنی است که کتاب *بوستان خیال* (دربدارنده مطالع غزل‌های شعرا) اثر بکتاش قلی ابدال رومی را به خطا در شمار مصنّفات فخری آورده‌اند (راشدی، ص ۵۰۴).

روش کار ما در این جستار چنین بوده که نخست وزن و قافیه و ردیف تک‌تک غزل‌های فخری هروی را بررسی کرده‌ایم و برای هر یک، در غزل‌های حافظ به دنبال

همتایی گشته‌ایم. پس از یافتن همهٔ نمونه‌هایی که وزن و قافیه (و در صورت مردّف بودن، ردیف) غزل فخری با غزلی از حافظ یکسان است، آنها را در بخش استقبال در دو دستهٔ غزل‌های مردّف و غیرمردّف نشانده‌ایم. سپس برای استوارتر شدن این گمان که فخری غزل خود را در استقبال از شعر حافظ و با توجه به آن سروده است، همانندی‌های لفظی و معنوی آشکار و درخور اعتنا میان این غزل‌ها را در بخشی جداگانه نشان داده‌ایم. در بخشی دیگر نمونه‌هایی را که فخری در آنها مصرعی از حافظ را در شعر خود تضمین کرده است از دیوان به‌در کشیده‌ایم و با ارجاع به *دیوان حافظ*، مأخذ تضمین را آشکار ساخته‌ایم. نمونه‌های این بخش هرچند اندک هستند، گواهی استوار برای نمایاندن اثرپذیری فخری از حافظ به شمار می‌روند و درستی یافته‌های ما در بخش «استقبال» و «همانندی» را در این باره تا اندازه‌ای اثبات می‌کنند. با این‌همه جز در بخش تضمین، ما با قطعیت از اثرپذیری فخری سخن نگفته‌ایم و در هر نمونه با در نظر گرفتن درصد همسانی میان دو سروده، سستی یا استواری گمان اثرپذیری فخری از حافظ را آشکار ساخته‌ایم.

## ۱. استقبال

یکی از جایگاه‌های نمود یافتن اثرپذیری از شاعری دیگر در برگزیدن وزن و قافیه (و در صورت مردّف بودن: ردیف) همسان با شعرهای آن شاعر است. این روش از دیرباز در شعر پارسی کاربرد داشته است و آن را به استقبال، پیشواز یا اقتفای کسی شعر سرودن نامیده‌اند. شمار چشمگیری از غزل‌های فخری هروی (۲۹ غزل) از دید وزن و قافیه و ردیف (در غزل‌های مردّف) با غزل‌هایی از حافظ یکسان هستند. با این‌همه نمی‌توان همانندی در وزن و قافیه را به‌آسانی نشانهٔ اثرپذیری بی‌چون و چرای او از حافظ دانست زیرا هم می‌توان گمان برد که این همانندی تصادفی و بی‌آگاهی شاعر از پیشینهٔ کاربرد آن وزن و قافیه پدید آمده باشد و هم این که می‌توان پنداشت فخری به شعر شاعری پیش یا پس از حافظ نظر داشته است. برخی اوزان و قوافی و ردیف‌ها هم کاربرد بسیاری در تاریخ شعر پارسی داشته‌اند. برای نمونه دربارهٔ غزل دو که در همین بخش آمده است می‌بینیم که وزن (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن - بحر هزج مثنیٰ سالم) و قافیه (هجای قافیه: «آ») و ردیف (حرف «را») جملگی پرکاربرد هستند. حتی پیش از حافظ،

سعدی غزلی با همان ساختار دارد:

ز حد بگذشت مشتاقی و صبر اندر غمت یارا  
به وصل خود دوایی کن دل دیوانه ما را  
(سعدی، ص ۲۶۹)

و از روزگار حافظ تا زمان زندگی فخری هروی شاعرانی دیگر نیز همان ساختار را در  
غزل خود به کار گرفته‌اند:

بیا ای ساقی ما تازه کن روح مسیحا را  
در اقداح بلورین ریز آن یاقوت حمرا را<sup>۱</sup>  
(آذری اسفراینی، ص ۱۱۲)

به خود ره نیست در کوی تو مشتاقان شیدا را  
خم زلفت به قلاب محبت می کشد ما را  
(امیر شاهی سبزواری، ص ۲)

بیا بر چشم عاشق کن تجلی روی زیبا را  
که جز وامق نداند کس کمال حسن عذرا را  
(شمس مغربی، ص ۶۴)

به مسجودی که بست از مهر این نه طاق مینا را  
که جز ابروی آن مه نیست محرابی دگر ما را  
(کاتبی نیشابوری، ص ۲۱)

من از فردوس می‌خواهم لقای حق تعالی را  
که دوزخ باشد ار نبود لقا فردوس اعلا را  
(کمال غیاث شیرازی، ص ۳)

هرچند نام و آوازه حافظ و اثرگذاری او بر شاعران دیگر بسیار بیشتر از شاعرانی چون  
آذری اسفراینی، امیر شاهی سبزواری، شمس مغربی، کاتبی نیشابوری، کمال غیاث  
شیرازی و... است، در نمونه‌هایی از این دست نمی‌توان گفت فخری هروی از حافظ اثر  
پذیرفته یا شاعر نامداری چون سعدی که پیش از حافظ چنین ساختاری را به کار برده  
و یا حتی شاعران یادشده دیگر.

در شعرهایی که وزن و قافیه و ردیف کم‌کاربردتری دارند (مانند غزل یک در این بخش  
که بر وزن مستفعّلن فعولن مستفعّلن فعولن سروده شده و غزل ۶ با قافیۀ «آنۀ» یا غزل‌های ۱۵ و ۱۷ با  
ردیف «غم مخور» و «چو شمع») گمان اثرپذیری فخری از حافظ فزونی می‌یابد. با این همه بر

۱. درباره این غزل آذری می‌توان گفت با توجه به اینکه در این غزل مصرعی از سعدی را تضمین کرده، شعر را به  
به پیشواز حافظ نسوده است:

بیا ساقی که ما امروز داد عیش بستانیم  
که در عالم نمی‌داند کسی احوال فردا را  
(آذری اسفراینی، ص ۱۱۳)

مصرع دوم از سعدی است (نک: سعدی، ص ۲۶۹) ولی مصححان دیوان آذری متوجه این تضمین نشده‌اند.

پایهٔ آن چه گفته آمد، ما برای داوری دربارهٔ اثرپذیری فخری هروی از حافظ شیرازی به همسانی وزن و قافیه و ردیف بسنده نکرده‌ایم و به همسانی‌های دیگر که در بخش همانندی و تضمین هم هست نگاهی داشته‌ایم. از همین‌روی در این بخش جز در جایی که همانندی لفظی یا معنایی درخور درنگی میان دو شعر یافت نشده سخن از تاثیرپذیری به میان نیاورده‌ایم. هرچند فراموش نباید کرد که نبود همانندی‌ای جز در وزن و قافیه، امکان اثرپذیری فخری از حافظ را یکسره از میان برنمی‌دارد. بسیاری از نمونه‌های استقبال در تاریخ ادب پارسی به همین گونه هستند که جز در وزن و قافیه همانندی ویژه‌ای میان دو سروده دیده نمی‌شود. نمونه را شهریار در غزل «طوق و نطق کهکشان» چنین می‌گوید:

ای شب و روز و مهر و مه پردهٔ سینمای تو      طاس بلور آسمان جام جهان‌نمای تو  
(شهریار، ص ۸۳۴)

غزل یادشده به تصریح دیوان شهریار به استقبال غزلی از حافظ سروده شده است:  
تاب بنفشه می‌دهد طرهٔ مشک‌سای تو      پردهٔ غنچه می‌درد خندهٔ دلگشای تو  
(حافظ ۲، ص ۸۲۲)

اما هیچ‌یک از بیت‌های غزل شهریار همانندی اندکی هم با بیت‌های غزل حافظ ندارد و حتی از میان ده بیت غزل شهریار تنها در یک بیت واژهٔ قافیه («از برای» در بیت نهم غزل شهریار) با قوافی غزل ده بیتی حافظ همسان است.

#### الف-۱: غزل‌های مردّف

گمان اثرپذیری فخری از حافظ در غزل‌هایی که دارای ردیف هستند (به‌ویژه اگر ردیف کم‌کاربرد باشد) در سنجش با غزل‌های بی‌ردیف بیشتر است. اما به همانسان که پیشتر گفته شد ما به همانندی در وزن و قافیه و ردیف هم بسنده نکرده‌ایم و با یاری گرفتن از داده‌های بخش دوم و سوم این جستار (همانندی و تضمین) بر استواری سخن خود افزوده‌ایم. هرچند همانندی‌های لفظی و معنوی را در بخش دیگری از این جستار بازنموده‌ایم، برای پرهیز از تکرار بیت‌های مطلع هر جا همانندی لفظی و معنوی میان مطلع غزل فخری و مطلع غزل حافظ وجود داشته در همین بخش به آن اشاره کرده‌ایم و در بخش

«همانندی» به شباهت‌های میان بیت‌های دیگر، جز مطلع دو غزل، پرداخته‌ایم. هفده غزل مردّف فخری با غزل‌هایی از حافظ در وزن و ردیف و قافیه یکسان هستند و در یک نمونه (نمونه هجدهم) با وجود اینکه قافیه میان دو غزل فخری و حافظ یکسان نیست (و دو شعر تنها در وزن و ردیف همسانند) گمان اثرپذیری فخری از حافظ، بر پایه آن‌چه در جای خود گفته خواهد شد، نیرومند است.

۱. دردا که درد هجران از حد گذشت یارا / زین درد اگر بنالیم معذور دار ما را  
(فخری هروی ۲، ص ۲)

دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را / دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا  
(حافظ ۲، ص ۲۶)

هرچند سعدی هم غزلی بر همین وزن و قافیه و ردیف دارد که مطلع آن چنین است:

مشتاقی و صبوری از حد گذشت یارا / گر تو شکیب داری طاقت نماند ما را  
(سعدی، ص ۱۷۸)

با در نظر گرفتن همانندی‌هایی که میان غزل فخری و حافظ هست (و در بخش همانندی به آن می‌پردازیم) اثرپذیری فخری از حافظ روشن است.

۲. نباشد ره به خود سوی درت هر بی‌سر و پا را / خیال نرگس مست تو بی‌خود می‌برد ما را  
(فخری هروی ۲، ص ۲)

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را / به خال هندوش بخشم سمرقند و بخارا را  
(حافظ ۲، ص ۲۲)

از آنجا که همانندی چندانی میان دو غزل دیده نمی‌شود، با اینکه گمان اثرپذیری فخری از حافظ یکسره بی‌راه نیست، می‌توان پنداشت که فخری نه از حافظ که از سعدی (سعدی، ص ۲۶۹) یا حتی شاعری دیگر وزن و قافیه و ردیف را برگرفته است.

۳. ساقی بریز بادهٔ عشرت به جام ما / جامی بده که دور فلک شد به کام ما  
(فخری هروی ۲، ص ۵)

ساقی به نور باده برافروز جام ما / مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما  
(حافظ ۲، ص ۳۸)

افزون بر همسانی وزن و قافیه و ردیف، مطلع فخری با مطلع حافظ اشتراک مضمونی و لفظی آشکاری دارد. «ساقی... باده... جام ما» در مصرع نخست هر دو غزل

مشترک است و در مصرع دوم، فخری «کار جهان شد به کام ما» در شعر حافظ را به «دور فلک شد به کام ما» دگرگون کرده و بی‌گمان به همین شعر حافظ نظر داشته است. در بخش همانندی به شباهت میان دو بیت از این دو غزل نیز اشاره خواهیم کرد.

۴. تو را که لالهٔ رخسار و لعل میگون است  
چه باک از آنکه دلی در غم تو پرخون است  
(فخری هروی ۲، ص ۱۳)

ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است  
ببین که در طلبت حال مردمان چون است  
(حافظ ۲، ص ۱۲۶)

میان دو غزل همانندی لفظی و معنوی برجسته‌ای دیده نمی‌شود، وزن و قافیه و ردیف این دو غزل نیز چندان کم کاربرد نیست و دیگر شاعران هم غزل‌هایی چند بر همین وزن سروده‌اند (از جمله: کاتبی نیشابوری، ص ۶۴؛ کمال خجندی، ص ۲۶۷). از همین روی در این غزل نمی‌توان به آسانی بر اثرپذیری فخری از حافظ پای فشرده.

۵. آمد بهار و لاله و گل در برابر است  
وقت نوای بلبل و هنگام ساغر است  
(فخری هروی ۲، ص ۱۴)

باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است  
شمشاد خانه پرور من از که کمتر است  
(حافظ ۲، ص ۹۶)

قافیه و ردیف این بیت، در شعر پارسی پر کاربرد است. برای نمونه پیش از حافظ، سعدی دو غزل بر همین وزن و قافیه و ردیف دارد (سعدی، ص ۴۹، ۱۱۴). در دیوان شاعران پس از سعدی و پیش از فخری هروی نیز نمونهٔ کاربرد چنین ساختاری هست. از جمله میر کرمانی (میرافضلی، ص ۴۱۲) و ناصر بخارایی (ناصر بخارایی، ص ۱۹۸) هر یک، غزلی با همین ساختار سروده‌اند. در چنین مواردی، از آنجا که همانندی لفظی آشکاری هم میان سروده‌ها دیده نمی‌شود، روشن نیست که فخری از حافظ اثر پذیرفته یا سعدی و یا شاعری جز از آن دو.

۶. بلندی سرم از خاک آستانهٔ توس  
سفیدرویی‌ام از آستان خانۀ توس  
(فخری هروی ۲، ص ۱۵)

رواق منظر چشم من آستانهٔ توس  
کرم نمای و فرود آ که خانه خانۀ توس  
(حافظ ۲، ص ۸۶)

افزون بر همسانی وزن و ردیف و هجای قافیه، واژهٔ قافیۀ دو مطلع یکسان است:



«آستانه» در مصرع نخست و «خانه» در مصرع دوم هر دو بیت آمده است. ترکیب این هجای قافیه با ردیف، ترکیبی پرکاربرد نیست: «آنۀ توست»؛ و بر پایه همانندی‌های یادشده دیگر می‌توان پنداشت که فخری به شعر حافظ نظر داشته است.

۷. بی‌لعل تو دل خسته و جان در تب و تاب است / مخمورم و اینها همه اندوه شراب است  
(فخری هروی ۲، ص ۱۸)

ما را ز خیال تو چه پروای شراب است / خم گو سر خود گیر که خمخانه خراب است  
(حافظ ۲، ص ۷۸)

وزن و قافیه و ردیف هر سه پرکاربرد هستند و همنشینی این سه نیز نمونه‌هایی دارد (از جمله: خواجه، ص ۶۳۷؛ کمال خجندی، ص ۱۸۲). از آنجا که همانندی برجسته‌ای هم میان دو شعر دیده نمی‌شود اثرپذیری فخری از حافظ چندان آشکار نیست.

۸. صبا به دل چه خبر شب ز زلف جانان گفت / که تا به روز دل از بی‌خودی پریشان گفت  
(فخری هروی ۲، ص ۲۱)

شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت / فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت  
(حافظ ۲، ص ۱۹۲)

با اینکه همانندی آشکاری میان دو مطلع و بیت‌های دیگر دو غزل دیده نمی‌شود، از آنجا که ترکیب این وزن و قافیه با ردیف «گفت» کم‌کاربرد است نگاه داشتن فخری به غزل حافظ چندان دور نمی‌نماید.

۹. دردا که صبر در غم آن ماه‌پاره نیست / این درد از آن بتر که به جز صبر چاره نیست  
(فخری هروی ۲، ص ۲۲)

راهی‌ست راه عشق که هیچش کناره نیست / آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست  
(حافظ ۲، ص ۱۶۲)

ساختن قافیه با دو هجای «آره» بویژه در ترکیب با ردیف «نیست» (که به خودی خود ردیفی کم‌کاربرد به شمار نمی‌رود) چندان پرکاربرد نیست. واژه قافیه در مصرع دوم دو بیت نیز یکسان است. بر این پایه سخن گفتن از توجه فخری به حافظ در این غزل بی‌راه نیست.

۱۰. صبحدم در پیش گل بلبل فغان زار داشت / گل هوای بار بستن گویی از گلزار داشت  
(فخری هروی ۲، ص ۲۲)

- بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت      وندران برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت  
(حافظ ۲، ص ۱۷۴)
- در مطلع غزل حافظ هم سخن از «گل» و «بلبل» است. فخری هروی «ناله‌های زار» بلبل را به «فغان زار» دگرگون کرده است. همانندی دو مطلع آشکار است.
۱۱. گناه چیست که سوی منت نگاهی نیست      جز این که دل به تو دادم مرا گناهی نیست  
(فخری هروی ۲، ص ۲۳)
- جز آستان توام در جهان پناهی نیست      سر مرا به جز این در حواله‌گاهی نیست  
(حافظ ۲، ص ۱۶۸)
- از آنجا که فخری در این غزل دو مصرع از غزل یادشده از حافظ را تضمین کرده (و در بخش تضمین به آن پرداخته‌ایم) بی‌گمان فخری غزل خود را به پیشواز غزل حافظ سروده است. افزون بر این، می‌توان همانندی‌های کمرنگی میان دو مطلع دید از جمله این که هر دو در خطاب با یار سروده شده‌اند و در هر دو واژه‌های «تو» و نیز «جز + این» آمده است.
۱۲. هر که دل شیفتهٔ سرو روانی دارد      نزد عشاق توان گفت که جانی دارد  
(فخری هروی ۲، ص ۳۱)
- شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد      بندهٔ طلعت او باش که آنی دارد  
(حافظ ۲، ص ۲۵۸)
- «که جانی دارد» یادآور «که آنی دارد» حافظ است و نمونه‌های ترکیب این وزن و قافیه با ردیف «دارد» اندک است. بلندآوازی این غزل حافظ گمان‌آثرپذیری فخری هروی از او را فزونی می‌بخشد.
۱۳. خوبان چو قصد کشتن اهل وفا کنند      خواهیم که ابتدا ز من مبتلا کنند  
(فخری هروی ۲، ص ۳۶)
- آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند      آیا بود که گوشهٔ چشمی به ما کنند  
(حافظ ۲، ص ۳۹۸)
- به همان سان که در بخش تضمین نشان داده شده فخری در بیت‌های دیگر این غزل دو مصرع مطلع غزل یادشده از حافظ را تضمین کرده و روشن است که این غزل را به پیشواز غزل حافظ سروده است.
۱۴. ناگاه پیش از این که کسی را خبر شود      آن بی‌وفای عهدشکن را سفر شود  
(فخری هروی ۲، ص ۳۸)

- ترسم که اشک بر غم ما پرده‌در شود / وین راز سر به مهر به عالم سمر شود  
(حافظ ۲، ص ۴۵۸)
- عشقت نه سرسری ست که از سر به‌در شود / مه‌رت نه عارضی ست که جای دگر شود  
(همان، ص ۱۰۱۳)
- نشانه‌ای جز همسانی وزن و قافیه و ردیف برای استوارداشت گمان اثرپذیری فخری  
از حافظ در شعر دیده نمی‌شود.
۱۵. باز ای دل تازه گردد گلشن جان غم‌مخور / بشکند گل‌ها به جای خار هجران غم‌مخور  
(فخری هروی ۲، ص ۴۸)
- یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم‌مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان غم‌مخور  
(حافظ ۲، ص ۵۱۶)
- بلندآوازی غزل حافظ، کم‌کاربرد بودن ردیف «غم‌مخور» و همانندی‌ای که در یکی  
از بیت‌های غزل فخری با غزل حافظ دیده می‌شود (نمونه شماره ۳ در بخش همانندی) گمان  
ما را درباره اثرپذیری فخری از حافظ نیرومند می‌سازد.
۱۶. ناوکی بر دل از آن غمزه بی‌باک انداز / به شکرخنده نمک بر جگر چاک انداز  
(فخری هروی ۲، ص ۵۱)
- خیز و در کاسه زر آب طربناک انداز / پیشتر زان که شود کاسه سر خاک انداز  
(حافظ ۲، ص ۵۳۲)
- ترکیب هجای قافیۀ «آک» با ردیف «انداز» بسیار اندک است و می‌توان گفت که  
فخری این ترکیب را از غزل حافظ برگرفته است.
۱۷. ز آتش دل بی‌تو شب تا روز گریانم چو شمع / می‌رود اشک از گریبان تا به دامانم چو شمع  
(فخری هروی ۲، ص ۵۷)
- در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع / شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع  
(حافظ ۲، ص ۵۹۴)
- هرچند ناصر بخارایی هم‌روزگار حافظ نیز غزلی با این مطلع دارد:
- بس که هر شب سرگذشت خویش می‌رانم چو شمع  
سر به سر رخت وجودم را بسوزانم چو شمع  
(ناصر بخارایی، ص ۳۱۵)
- نامدار بودن غزل حافظ و توجهی که فخری در سروده‌های دیگر خود به حافظ دارد،

این برداشت را درست‌تر می‌نماید که فخری شعر خود را بر پایه غزل حافظ ساخته باشد. ۱۸- واپسین نمونه غزلی است که در وزن و ردیف با غزلی از حافظ یکسان است اما هجای قافیۀ دیگری دارد و از همین‌روی آن را جدا و در پایان نمونه‌ها می‌آوریم:

تا دل خسته در آن زلف دوتا افتاده‌ست      جان محنت‌زده در دام بلا افتاده‌ست  
(فخری هروی ۲، ص ۲۷)

تا سر زلف تو در دست نسیم افتاده‌ست      دل سودازده از غصه دونیم افتاده‌ست  
(حافظ ۲، ص ۹۲)

هرچند قافیه در دو غزل یکسان نیست گمان متأثر بودن فخری از حافظ نیرومند است. زیرا از سویی ردیف «افتاده‌ست» کم کاربرد است و چنین نیست که در دیوان هر شاعری (آن هم درست با چنین وزنی) بتوان به آسانی نمونه کاربرد آن را یافت. نکته دیگر این‌که گذشته از وزن و ردیف، اسلوب سخن و مضمون مطلع فخری نیز به مطلع غزل حافظ شباهت دارد. در هر دو بیت، مصرع دوم مکمل «تا»ی آغازین مصرع نخست است. مضمون دو شعر هم نزدیک است. دل و جان عاشق از عشق «زلف» معشوق (که با همین لفظ در دو شعر آمده) در تاب است. در مصرع دوم هر دو بیت برای دل و جان صفتی مرکب با «زده» («محنت‌زده» و «سودازده») ساخته شده است. میان «دوتا» و «دونیم» هم تناسبی هست.

#### ب-۱: غزل‌های غیرمردّف

از آنجا که در غزل‌های بی‌ردیف گمان اثرپذیری فخری از حافظ کمتر می‌شود، برای کوتاه‌تر شدن سخن به‌جای آوردن مطلع‌ها به آوردن نشانی شعرها بسنده کرده‌ایم و تنها در نمونه‌هایی مطالع را آورده‌ایم که پای همانندی و قرینۀ دیگری مبنی بر اثرپذیری فخری از حافظ در میان بوده است.

نشانی غزل‌های غیرمردّف هم‌وزن و قافیه در میان غزل‌های دیوان فخری و دیوان حافظ: ۱. (فخری هروی ۲، ص ۵۵؛ حافظ ۲، ص ۵۶۲) - ۲. (فخری هروی ۲، ص ۵۸؛ حافظ، ص ۱۰۱۸) - ۳. (فخری هروی ۲، ص ۵۹؛ حافظ ۲، ص ۶۰۰) - ۴. (فخری هروی ۲، ص ۵۹؛ حافظ ۲، ص ۶۰۲، ۶۰۴) - ۵. (فخری هروی ۲، ص ۶۰؛ حافظ ۲، ص ۶۵۰) - ۶. (فخری هروی ۲، ص ۶۱؛ حافظ ۲، ص ۶۳۴، ۶۳۶) - ۷. (فخری هروی ۲، ص ۶۲؛ حافظ ۲، ص ۶۸۴) - ۸. (فخری هروی ۲، ص ۷۰؛ حافظ ۲، ص ۷۷۶) - ۹. (فخری هروی

۲، ص ۷۶؛ حافظ ۲، ص ۹۴۲) - ۱۰. (فخری هروی ۲، ص ۷۸؛ حافظ ۲، ص ۹۷۸) - ۱۱. (فخری هروی ۲، ص ۷۹؛ حافظ ۲، ص ۹۸۴).

در بخش همانندی نشان داده‌ایم که در ۶ غزل از ۱۱ غزل یادشده (غزل‌های شماره ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۰ و ۱۱) همانندی‌هایی میان سروده‌های هم‌وزن و قافیۀ فخری و حافظ دیده می‌شود. گفتنی است در ۲ غزل از این ۶ غزل (غزل‌های شماره ۸ و ۱۰) مصرعی از حافظ هم تضمین شده که در بخش تضمین به آنها اشاره خواهیم کرد و درباره این دو غزل جای هیچ گمان‌مندی نیست که فخری از حافظ اثر پذیرفته است.

از آنجا که در بخش همانندی به همانندی بیت‌هایی جز مطلع غزل فخری با غزل‌های حافظ پرداخته‌ایم بیت نخست (مطلع) دو غزل غیرمردّفی (غزل‌های شماره ۵ و ۱۱) را نیز که در مطلع به مطلع حافظ شبیه‌اند در اینجا می‌آوریم:

گذشت عمر به هجران بیا دمی به سرم      ببین که جان به فراقت چگونه می‌سپرم  
(فخری هروی ۲، ص ۶۰)

تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحرم      تبسمی کن و جان بین که چون همی سپرم  
(حافظ ۲، ص ۶۵۰)

مصرع‌های دوم دو بیت با یکدیگر اشتراک لفظی و معنوی آشکار دارند و گرنه چنین وزن و قافیه‌ای کم‌کاربرد نیست و در غزل‌های پیش از حافظ نیز دیده می‌شود. از جمله غزل نامدار سعدی:

یک امشبی که در آغوش شاهد شکرم      گرم چو عود بر آتش نهند غم نخورم  
(سعدی، ص ۵۸)

\*\*\*

جان رفت ز تن بیرون دور از تو به تنهایی      از غیر تهی شد جا وقت است که بازآیی  
(فخری هروی ۲، ص ۷۹)

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی      دل بی‌تو به جان آمد وقت است که بازآیی  
(حافظ ۲، ص ۹۸۴)

افزون بر همسانی واژه قافیۀ مصرع نخست (تنهایی)، «وقت است که بازآیی» از مصرع دوم مطلع غزل حافظ گرفته شده است.

## ۲. تضمین

یکی از جلوه‌گاه‌های مهم اثرپذیری شاعری از شاعر دیگر تضمین شعر است. در چنین نمونه‌هایی می‌توان به‌آسانی از اثرپذیری سخن گفت. فخری در غزل‌های خود شش مصرع از حافظ را تضمین کرده است. جز این شش مصرع، یک مصرع را نیز روشن است که آگاهانه تغییر داده و صورت منفی فعل را به کار برده تا مضمونی دیگر بپردازد. ضبط هر شش مصرعی که فخری از حافظ تضمین کرده درست همسان با ضبط خانلری است و نغز این‌که در شش مصرع یادشده میان تصحیح خانلری و تصحیح قزوینی و غنی (که در این بخش، برای مستند شدن سخن، به آن تصحیح هم ارجاع داده‌ایم) هیچ‌گونه ناسازی دیده نمی‌شود. روشن می‌شود غزل‌هایی که فخری مصرع‌هایی از آنها را تضمین کرده در شمار غزل‌هایی از حافظ هستند که کمتر در آنها دست برده شده است.

۱ و ۲ - در دو بیت از غزلی که به اقتفای غزل حافظ سروده، دو مصرع مطلع غزل او را تضمین کرده است:

پناه من ز جهان آستان حضرت توست «جز آستان توام در جهان پناهی نیست»  
در تو قبلهٔ ارباب حاجت است و نیاز «سر مرا به‌جز این در حواله‌گاهی نیست»

(فخری هروی ۲، ص ۲۳)

جز آستان توام در جهان پناهی نیست سر مرا به‌جز این در حواله‌گاهی نیست

(حافظ ۲، ص ۱۶۸؛ حافظ ۱، ص ۵۳)

۳، ۴ و ۵ - در سه بیت از غزلی که به اقتفای غزل حافظ سروده شده، دو مصرع

مطلع را عیناً و یک مصرع را با اندکی تغییر (منفی کردن فعل «آید») تضمین کرده است:

«پیراهنی که ناید از او بوی یوسفم» گو همچو گل صبا و نسیمش قبا کنند ...  
عمری ست تا به گوشهٔ هجران شدیم خاک «آیا بود که گوشهٔ چشمی به ما کنند» ...  
چشمان پرکرشمه و مستانهٔ تواند «آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند»

(فخری هروی ۲، ص ۳۶)

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا بود که گوشهٔ چشمی به ما کنند  
پیراهنی که آید از او بوی یوسفم ترسم برادران غیورش قبا کنند

(حافظ ۲، ص ۳۹۸؛ حافظ ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳)

۶- مصرع نخست از مطلع غزل مورد اقتفا را تضمین کرده است:

گفت من بنده شاه‌ی که به حسنش خوانند: «شاه شمشادقدان خسرو شیرین دهنان  
(فخری هروی ۲، ص ۷۱)  
شاه شمشادقدان خسرو شیرین دهنان که به مژگان شکند قلب همه صف‌شکنان  
(حافظ ۲، ص ۷۷۶؛ حافظ ۱، ص ۲۶۶)

۷- مصرع دوم از مقطع غزل مورد اقتفا را تضمین کرده است:

فخری امروز چنانم ز فراقش که می‌پرس «آه اگر از پی امروز بود فردایی»  
(فخری هروی ۲، ص ۷۸)  
گر مسلمانی از این است که حافظ دارد آه اگر از پی امروز بود فردایی  
(حافظ ۲، ص ۹۷۸؛ حافظ ۱، ص ۳۴۹)

### ۳. همانندی

اگر بخواهیم دیوان فخری و حافظ را از دید معنایی یا لفظی با یکدیگر بسنجیم نمونه‌های فراوانی از همانندی‌های کوچک و بزرگ میان شعر این دو یافت می‌شود اما راست آن است که در غزل پارسی همانندی موضوع و مضمونی بسیار است و اگر تنها به دنبال مفهوم‌های مشترک باشیم یا تنها به اشتراک لفظی بیت‌ها بیندیشیم برای یادکرد همه همانندی‌ها میان شعر دو غزلسرا نیازمند بازنویسی و نقل نزدیک به نیمی از دیوان هر یک از آن دو شاعر خواهیم بود که سرانجام نیز نتیجه درخور اعتنایی به دست نمی‌دهد. ما در این بخش برای بالا بردن درصد اطمینان از درستی داوری‌هایمان درباره‌ی تاثیرگذاری حافظ بر فخری، در محدوده شعرهای هم‌وزن و قافیه به دنبال نمونه‌هایی گشته‌ایم که اشتراک لفظی و معنایی توأمان در دو سروده آشکار است. یعنی اگر اشتراک تنها در لفظ یا تنها در معنی بوده برای ما اهمیتی نداشته و همراه شدن دو عنصر لفظ و معنی را (افزون بر اشتراک وزن و قافیه و ردیف) سنجه خویشتن قرار داده‌ایم (و اگر جایی تکیه بر اشتراک لفظی باشد جایی است که عبارت یا جمله‌ای عیناً از شعر حافظ در شعر فخری تکرار شده). روشن است که با برگزیدن این روش سختگیرانه و پذیرفتن چنین سنجه‌ای درصد خطا و راه یافتن نمونه‌های شباهت تصادفی سخت کاسته می‌شود و می‌توان نتیجه به دست‌آمده از داده‌های این بخش را برای داوری کردن درباره‌ی اثرپذیری فخری از حافظ معتبر شناخت. تنها در دو نمونه هفت و هشت جز سنجه یادشده به آرایه‌های ادبی برجسته هم توجه کرده‌ایم زیرا می‌دانیم که انگیزه سرودن برخی بیت‌ها و آنچه به

شماری از سخنان ادبیت می‌بخشد گاه کاربرد آرایه‌های ادبی است؛ به‌ویژه آنگاه که دو واژه هماهنگ در لفظ یا موسیقی و ناهماهنگ در معنی (مانند «پروانه»/ «پروا» و «پیمان»/ «پیمانه» در نمونه هفت و هشت) دستمایه ساختن بیتی می‌شوند.

۱- «معذور دار ما را» که در مطلع غزل فخری هروی آمده در بیتی از همان غزل حافظ (که فخری هروی آن را استقبال کرده) هم آمده است:

دردا که درد هجران از حد گذشت یارا      زین درد اگر بنالیم معذور دار ما را  
(فخری هروی ۲، ص ۲)

حافظ به خود نپوشید این خرقة می‌آلود      ای شیخ پاک‌دامن معذور دار ما را  
(حافظ ۲، ص ۲۶)

در همین غزل این بیت هم بی‌شبهت به بیتی از غزل یادشده حافظ نیست:

تا کی به عشو سازی، ما را ز غم گدازی      باید گهی نوازی درویش بی‌نوا را  
(فخری هروی ۲، ص ۲)

ای صاحب کرامت، شکرانه سلامت      روزی تفقیدی کن درویش بی‌نوا را  
(حافظ ۲، ص ۲۶)

۲- جز اینکه هماهنگی «نان حلال» و «آب حرام» در هر دو بیت دیده می‌شود به نظر می‌رسد فخری در یادکرد «مشایخ» به «شیخ» در بیت حافظ نظر داشته و حتی می‌توان گفت او «رند» را نیز - که از واژگان برجسته در دیوان حافظ است - با توجه به سروده‌ها و اندیشه حافظ به‌کار برده است.

نان حلال وقف مشایخ نمی‌خورد      رندی که واقف است ز آب حرام ما  
(فخری هروی ۲، ص ۵)

ترسم که صرفه‌ای نبرد روز بازخواست      نان حلال شیخ ز آب حرام ما  
(حافظ ۲، ص ۳۸)

۳- در هر دو بیت «ای مرغ خوشخوان» پیش از ردیف «غم مخور» تکرار شده و دو بیت از دید موضوع و مضمون نیز همانندی آشکاری با یکدیگر دارند.

ناخوشی‌های فراق گل نماند پایدار      باز آید نوبهار ای مرغ خوشخوان غم مخور  
(فخری هروی ۲، ص ۴۸)

گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن      چتر گل در سر کشی ای مرغ خوشخوان غم مخور  
(حافظ ۲، ص ۵۱۶)



۴- آمدن جمله «من این نکته کرده‌ام تحقیق» در مصرع دوم هر دو بیت تصادفی نمی‌نماید و گمان این را که غزل فخری به استقبال از حافظ سروده شده باشد، نیرو می‌بخشد:

مرو مرو که هلاک من است رفتن تو      بیا بیا که من این نکته کرده‌ام تحقیق  
(فخری هروی ۲، ص ۵۹)

جهان و کار جهان جمله هیچ در هیچ است      هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق  
(حافظ ۲، ص ۶۰۰)

۵- انگشت نهادن بر برتری «زهر» بر «تریاک» در مصرع دوم دو بیت و پسندیده دانستن خشم/ زخم از سوی یار، دو بیت هم‌وزن و قافیۀ زیر را بیشتر به هم مانند می‌سازد:

به من محل جدایی به خشم بین و مخند      که بی تو زهر مرا خوشتر است از تریاک  
(فخری هروی ۲، ص ۵۹)

اگر تو زخم زنی به که دیگری مرهم      و گر تو زهر دهی به که دیگران تریاک  
(حافظ ۲، ص ۶۰۴)

۶- دادخواهی از در «آصف» (که نام او چندان در ادبیات، پرکاربرد نیست و تنها حافظ به گونه‌ای ویژه و پرشمار از او یاد کرده) در این دو بیت مشترک است:

چرخ پامال جفا کرد چو مورم فخری      آه اگر آصف دوران نستاند دادم  
(فخری هروی ۲، ص ۶۱)

رحم کن بر من مسکین و به فریادم رس      تا به خاک در آصف نرسد فریادم  
(حافظ ۲، ص ۶۳۴)

مصرع نخست فخری هم یادآور این مصرع است: «آن که پامال جفا کرد چو خاک راهم» (حافظ ۲، ص ۷۲۲).

۷- بهره بردن از جناس ناقص «پیمان» و «پیمانه» در موسیقی درونی و ایهام تناسبی که مفهوم شکستن (در «پیمان‌شکنان») با «پیمانه» می‌سازد در زیبایی بدیعی این دو بیت اثرگذار بوده و از آنجا که می‌دانیم فخری هروی در بیستی دیگر از همین غزل مصرع نخست از مطلع غزل حافظ را تضمین کرده، روشن است که در سرودن این بیت هم به بیت حافظ نگاهی داشته است.

می‌گذشتم ز در میکده وقتی سحری      بی‌خبر از خم و پیمانه و پیمان‌شکنان  
(فخری هروی ۲، ص ۷۱)

گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان  
پیر پیمانه کش من که روانش خوش باد  
(حافظ ۲، ص ۷۷۶)

۸- کاربرد هنری «پروانه» و «پروا» (در کنار یادکرد «شمع») در دو بیت زیر مشترک است:

من چو پروانه ز شمع رخ او می‌سوزم  
هیچ بر حال من او را نبود پروایی  
(فخری هروی ۲، ص ۷۸)

سرّ این نکته مگر شمع برآرد به زبان  
ورنه پروانه ندارد به سخن پروایی  
(حافظ ۲، ص ۹۷۸)

۹- فخری - چنانکه در بخش استقبال گفته آمد - بخشی از مطلع غزل حافظ (وقت است که بازآیی) را در مطلع غزل خود گنجانده بود و در این بیت هم بخشی دیگر از آن (ای پادشه خوبان) را آورده:

فرمان طلبد فخری تا پای تو را بوسد  
ای پادشه خوبان تا خود تو چه فرمایی  
(فخری هروی ۲، ص ۷۹)

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی  
دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی  
(حافظ ۲، ص ۹۸۴)

## نتیجه‌گیری

نتیجه‌های به‌دست‌آمده از سه بخش این جستار را در سه دسته جداگانه می‌آوریم:

۱- استقبال: ۲۹ غزل فخری (۱۸ غزل مردّف و ۱۱ غزل غیرمردّف) در وزن و قافیه (و ردیف در شعرهای مردّف) با غزل‌هایی از حافظ یکسان هستند که در میان آنها در ۲۰ غزل (۱۳ غزل مردّف و ۷ غزل غیرمردّف) بر پایه همانندی‌هایی که میان سروده‌های فخری و حافظ دیده می‌شود امکان اثرپذیری فخری از حافظ بیشتر است.

الف) غزل‌های مردّف: از ۱۸ غزل مردّف دیوان فخری، در ۸ غزل (بر پایه شماره‌گذاری بخش استقبال در همین جستار: غزل‌های شماره ۱، ۳، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸) افزون بر یکسانی وزن و قافیه و ردیف، همانندی‌هایی با غزل‌های حافظ دیده می‌شود و در این نمونه‌ها گمان اثرپذیری فخری از حافظ بسیار نیرومند است. در ۵ غزل دیگر (غزل‌های شماره ۸، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۷) هرچند همانندی برجسته‌ای میان شعر فخری و حافظ دیده نمی‌شود، از

آنجا که ترکیب قافیه و ردیف شعر، کم کاربرد است می‌توان پنداشت که فخری به شعر حافظ نگاه داشته است. بر این پایه درباره ۱۳ غزل مردّف فخری، از تاثیر حافظ بر فخری با گمانی استوارتر سخن می‌توان گفت. در ۵ غزل برجای مانده (شماره‌های ۲، ۴، ۵، ۷، ۱۴) نه همانندی لفظی و معنوی برجسته‌ای میان سروده‌های فخری و حافظ هست و نه ردیف شعر کم کاربرد به شمار می‌رود و هرچند امکان اثرپذیری از حافظ یکسره از میان نمی‌رود، دلیل استواری برای اثبات آن نیز در دست نداریم.

ب) غزل‌های غیرمردّف: اگر هر ۱۱ غزل غیرمردّف فخری به پیشواز غزل‌هایی از حافظ سروده نشده باشند (و بپنداریم که همانندی در وزن و قافیه تصادفی بوده) دست کم در دو غزل (غزل‌های شماره ۸ و ۱۰ که در آن دو، مصرعی از حافظ تضمین شده) بی‌گمان فخری از حافظ اثر پذیرفته و افزون بر آن دو، در سنجش با دیگر غزل‌ها در ۵ غزل (غزل‌های شماره ۳، ۴، ۶، ۵ و ۱۱ که در آنها بیتی با بیت غزل حافظ همانندی‌هایی دارد) گمان اثرپذیری فخری از حافظ بیشتر است.

۲- تضمین: فخری شش مصرع از حافظ را عیناً و یک مصرع را با دست‌بردنی اندک و آگاهانه در ساختار آن تضمین کرده است. این مصرع‌ها در چهار غزل (غزل‌های شماره ۱۱ و ۱۳ بخش غزل‌های مردّف و شماره ۸ و ۱۰ بخش غزل‌های غیرمردّف) از فخری آمده‌اند و در آنها می‌توان بی‌هیچ گمان فخری را متأثر از حافظ دانست.

۳- همانندی: در میان ۲۹ غزل هم‌وزن و هم‌قافیه فخری و حافظ، ۹ نمونه همانندی برجسته (لفظی و معنوی یا هنری) دیده می‌شود. نتیجه‌های به‌دست آمده در بخش همانندی به استوارداشت گمان‌های پژوهشگر در بخش یک جستار کمک کرده است.

## منابع

- آذری اسفراینی، دیوان، تحقیق و تصحیح محسن کیانی و سید عباس رستاخیز، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- افشین‌وفایی، محمد، «حافظ در شبه قاره»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره*، ج ۳، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۲.
- امیر شاهی سبزواری، دیوان، به تصحیح و حواشی و مقدمه سعید حمیدیان، ابن سینا، ۱۳۴۸.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱)، دیوان، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، کتابخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰.
- \_\_\_\_\_ (۲)، دیوان، به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲.
- خواجه کرمانی، دیوان/شعار، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، پازنگ، تهران، ۱۳۷۴.
- راشدی، حسام‌الدین، «فخری هروی و سه اثر او»، ترجمه محمد ظفر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س هفتم، ش ۲۶، تابستان، ۱۳۵۰.
- سعدی، مصلح بن عبدالله، *غزل‌های سعدی*، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، سخن، تهران، ۱۳۸۵.
- شمس مغربی، دیوان، تحقیق و بررسی ابوطالب میرعابدینی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.
- شهریار، محمدحسین، دیوان، زرین و نگاه، تهران، ۱۳۷۴.
- فخری هروی (۱)، *روضه‌السلطین و جواهرالعجائب*، به کوشش حسام‌الدین راشد، سندی ادبی بورد، حیدرآباد سند، ۱۹۶۸م.
- \_\_\_\_\_ (۲)، محمد، دیوان، به کوشش احمد کرمی، تالار کتاب، تهران، ۱۳۶۶.
- کاتبی نیشابوری، دیوان، تصحیح تقی وحیدیان کامیار و سعید خومحمدی خیرآبادی و مجتبی جوادینیا، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۲.
- کمال خجندی، دیوان، به اهتمام ک. شیدفر، اداره انتشارات دانش، مسکو، ۱۹۷۵م.
- کمال غیاث شیرازی، دیوان، تحقیق و تصحیح محسن کیانی و احمد بهشتی شیرازی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰.
- میرافضلی، علی، *شاعران قدیم کرمان (مجموعه نخست)*، کازرونیه، تهران، ۱۳۸۶.
- ناصر بخارایی، دیوان/شعار، به کوشش مهدی درخشان، بنیاد نیکوکاری نوریانی، تهران، ۱۳۵۳.
- نیساری، سلیم، دفتر *دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ*، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۵۳.